

پنج‌قاره

کشف کشتی طلاو جواهرات درسواحل کارائیب

● رسانه‌های داخلی کلمبیا از کشف یک کشتی بادیانی غرق‌شده حاوی مقادیر چشمگیری جواهرات در سواحل کارائیب خبر دادند. «خوان مانوتل سانتوس»، رئیس‌جمهور کلمبیا، با اعلام خبر کشف این کشتی بادیانی غرق‌شده، گفت: پیداکردن این کشتی یکی از بزرگ‌ترین کشفیات میراث غرق‌شده در تاریخ بشر است که سکه‌های طلا و جواهراتی به ارزش حدود چهار میلیارد دلار در آن وجود دارد. بررسی‌ها حاکی از آن است که این کشتی بادیانی حامل محموله جواهرات، عازم اسپانیا بوده اما در سال ۱۷۰۸ هدف حمله کشتی‌های انگلیسی قرار گرفته و غرق شده است. همچنین حدود ۶۰۰ مسافر و خدمه آن جان خود را از دست دادند.

یک کشته و۳۰ مفقود در آتش‌سوزی درسکوی نفتی

● در حادثه آتش‌سوزی گسترده در سکوی نفتی آذربایجان در دریای خزر، دست‌کم یک نفر کشته و ۳۰ نفر دیگر مفقود شدند. شرکت ملی انرژی آذربایجان اعلام کرد در تلاش برای یافتن ۳۰ کارگری است که در میان شعله‌های این حریق گرفتار شده‌اند. سخنگوی این شرکت گفته ۳۳ نفر از این حادثه نجات پیدا کرده‌اند. کمیته حمایت از کارگران نفتی آذربایجان گفت: ۳۰ نفری که نجات پیدا نکرده‌اند احتمالاً جان خود را از دست داده‌اند ، این آتش‌سوزی روز جمعه و بعد از آسیب‌دیدن یک خط لوله گاز در اثر توفان در سکوی شماره ۱۰ میدان نفتی «گونشلی» آغاز شد و به‌سرعت گسترش یافت.

خودکشی پس از جنایت

● یک دختر بچه هفت‌ساله و مادرش در شهر تیلور مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. پلیس تیلور گزارش داد «اما واتسون تولینگ» و مادرش، شارون الیزابت واتسون، در محوطه پارکینگ یک مجموعه ورزشی که «اما» در آنجا تمرین فوتبال داشته، مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. نیروهای پلیس اعلام کردند «تیموتی نلسون آیشاو» ابتدا به مادر و فرزند شلیک کرده سپس خود را کشته است. کودک پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد و مادر هم در شرایطی وخیم به سر می‌برد. شاهدان اظهار کرده‌اند این مرد را قبلاً دیده بودند که «اما» را به تمرین فوتبالش رسانده است.

شرق: مجرم حرفه‌ای که شیوه جدید کلاهبرداری را در زندان یاد گرفته بود، بعد از آزادی ده‌ها بازنشسته را اغفال و اموالشان را غارت کرد. به گزارش خبرنگار ما پیرمردی بازنشسته اواخر مهر با مراجعه به کلانتری ابودر به مأموران اعلام کرد او و همسرش توسط مردی حدوداً ۴۰ساله، به بهانه استخدام وی به‌عنوان نگهبان شب موردکلاهبرداری قرار گرفته‌اند. مرد بازنشسته پس از حضور در پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «مردی حدوداً ۴۰ ساله در پارک به من مراجعه کرد و پس از مدت کوتاهی صحبت، مدعی شد: «می‌توانم برایتان کار مناسبی پیدا کنم مشروط بر اینکه شرایط کاری را با همسرتان در میان بگذارم تا پس از استخدام، مشکلی برای ادامه کار از سوی همسر شما مطرح نشود». به این بهانه، هر دو به منزل در خیابان ابودر رفتم و پس از ملاقات کوتاهی با همسر و توافق نهایی بر سر شرایط کار، من مدارک شناسایی خود را برداشتم و برای افتتاح حساب به‌منظور واریز حقوق ماهانه به همراه این شخص به بانک مراجعه کردیم. او به بهانه تهیه تصویر از مدارک شناسایی از بانک خارج شد اما پس از آن دیگر مراجعه نکرد. پس از گذشت چند ساعت، منزل خود بارگشتم و متوجه شدم مرد ناشناس زمانی که من داخل بانک منتظرش بودم، مجدداً به منزل رفته و از همسرم درخواست کرده طلاهایش را تحت عنوان

ضمانت برای استخدام من به او بدهد. همسرم نیز با توجه به ملاقاتی که با این شخص داشت، به او اعتماد کرده و تمامی طلاهایش را به وی داده و او متواری شده بود». کارآگاهان با بررسی پرونده‌های مشابه، موفق به شناسایی تعداد دیگری از مال‌باختگانی شدند که تمامی آنها در سن بازنشستگی قرار دارند. بنا بر اظهارات شکات جدید، متهم به شیوه‌ای یکسان از آنان کلاهبرداری کرده و با مراجعه به مال‌باختگان در مراکز عمومی به‌ویژه پارک‌ها ابتدا با آنها طرح دوستی ریخته، در ادامه، با طرح پیشنهاد استخدام تحت عنوان نگهبان و دریافت حقوق مناسب، اعتماد مال‌باختگان را جلب و به بهانه صحبت با همسران مال‌باختگان درخصوص شرایط کاری، زمینه ملاقات خود با همسران این افراد را فراهم کرده و در نهایت زمانی که شکات در شعب بانکی و عکاسی، منتظر متهم بودند، این شخص مجدداً به منازل آنها رفته و به بهانه تهیه ضمانت اقدام به گرفتن وجه نقد به طلا و جواهرات کرده و متواری شده است. با توجه به شیوه متهم در کلاهبرداری از افراد بازنشسته، کارآگاهان با مراجعه به شعب بانکی و دیگر مراکز تجاری محل تردد مال‌باختگان به بررسی تصاویر



به‌دست‌آمده از دوربین‌های مداربسته آنها پرداختند و با بهره‌گیری از تصاویر به‌دست‌آمده اطمینان پیدا کردند تمامی کلاهبرداری‌ها توسط یک نفر انجام شده است که یکی از مجرمان حرفه‌ای در زمینه کلاهبرداری به نام امیررضا (۴۱ساله) است. این فرد در زمان ملاقات با مال‌باختگان عمدتاً خود را با هویت مجعول رضایی معرفی کرده بود. در ادامه رسیدگی به پرونده، کارآگاهان با شناسایی محل تردد متهم در محدوده پارک شهر و خیابان امام‌خمینی (ره)، این محل را تحت مراقبت‌های نامحسوس پلیسی خود قرار دادند و سرانجام موفق به دستگیری متهم شدند. متهم که پس از مواجه حضوری با تعدادی از شکات پرونده، چاره‌ای جز اعتراف و بیان حقیقت نداشت، صراحتاً به کلاهبرداری از مال‌باختگان اعتراف و عنوان کرد این شیوه و شرکد کلاهبرداری را در زمان حضورش در زندان و از سایر مجرمان سابقه‌دار در زمینه کلاهبرداری فراگرفته است. در ادامه و با اعترافات صریح متهم درخصوص ده‌ها فقره کلاهبرداری و بررسی پرونده‌های مشابه در سایر پایگاه‌های پلیسی آگاهی تهران بزرگ، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند متهم علاوه بر شناسایی تعدادی از مال‌باختگان در محدوده مرکزی

کمین مالباخته برای شکار سارق جیب‌بر



شرق: زن مالباخته بعد از یک هفته کشیک شبانه‌روزی بالاخره توانست فردی را که از او جیب‌بری کرده بود، به دام بیندازد. به گزارش خبرنگار ما دستگیری سارق جیب‌بر در ایستگاه بی‌آرتی چهارراه سربیز چند روز پیش از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، به کلانتری نارمک اعلام شد. با حضور مأموران در محل، زنی به آنها گفت زن جیب‌بری را با کمک سایر شهروندان دستگیر کرده است، او توضیح داد این سارق حدود یک هفته پیش اقدام به سرقت محتویات کیف‌دستی‌اش شامل وجه نقد و گوشی همراه کرده بود. شاکلی پس از معرفی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «حدود یک هفته پیش، به قصد سوارشدن به اتوبوس به ایستگاه بی‌آرتی مراجعه کردم. آن روز حدود دو میلیون تومان بابت حقوق خود پول دریافت کرده و

آن را داخل کیف‌دستم‌ام قرار داده بودم.

زمانی که در ایستگاه منتظر آمدن اتوبوس بودم، متهم نیز در ایستگاه حضور داشت. ناگهان با رسیدن اتوبوس و زمانی که قصد سوارشدن به آن را داشتم، این خانم به من نزدیک شد و با هل دادن از من می‌خواست که سوار اتوبوس شوم اما در کمال تعجب و در لحظه آخر، از سوارشدن خودداری کرد. زمانی که به خانه رسیدم، متوجه سرقت تمامی پول‌های داخل کیف و همچنین گوشی همراه خود شدم. با اطمینان از انجام سرقت توسط این خانم، مدت یک هفته به صورت شبانه‌روزی، محدوده ایستگاه محل سرقت را تحت نظر داشتم تا سرانجام با گذشت بیش از یک هفته مجدداً همین زن را شناسایی و بلافاصله با کمک مردم، او را دستگیر کردم». متهم ۶۰ساله به نام

حوادث

آموزش شیوه کلاهبرداری در زندان

متهم از بازنشستگان به بهانه استخدام کلاهبرداری می‌کرد

شهر تهران و کلاهبرداری از آنها، در سایر مناطق شهر تهران به‌ویژه در تهران‌نو، رسالت، تهران‌پارس، مجیدیه، رودکی، نیروی هوایی، هاشمی، نسرود… نیز به همین شیوه و شرکد اقدام به کلاهبرداری کرده است. سرهنگ حمدالله علیزاده، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: نظر به سوابق متهم در ارتکاب جرائم مرتبط با کلاهبرداری، اعتراف صریح متهم به ده‌ها فقره کلاهبرداری، شناسایی دقیق متهم از سوی ده‌ها مال‌باخته و اعتراف متهم به کلاهبرداری از آنها و به‌منظور شناسایی سایر شکات و مال‌باختگان احتمالی پرونده، دستور انتشار بدون پوشش تصویر متهم از سوی مقام قضائی صادر شده است و از شکات پرونده که موفق به شناسایی تصویر متهم شده‌اند، دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات خود به این پایگاه واقع در میدان حر– انتهای خیابان ۱۲ فروردین مراجعه کنند. پلیس آگاهی در این رابطه هشدار داد: «طرح پیشنهاد استخدام با شرایط کاری ایده‌آل و پرداخت حقوق مناسب از سوی افراد ناشناس، یکی از روش‌های رایج مورداستفاده برای کلاهبرداری از سوی برخی از مجرمان سابقه‌دار و حرفه‌ای است که با چهره‌ای کاملاً موجه و با قدرت بیان بالا، افراد را فریب می‌دهند به همین دلیل شهروندان باید در صورت مواجهه با چنین شرایطی، کاملاً هوشیار باشند».

«گداختن، ت» که در زمان دستگیری منکر هرگونه سرقت از مالباخته شده بود، پس از انتقال به پایگاه چهارم پلیس آگاهی به‌عنوان یکی از مجرمان سابقه‌دار که زمینه جیب‌بری موردشناسایی قرار گرفت اما همچنان مدعی بی‌گناهی خود بود، کارآگاهان در ادامه تحقیقات با هماهنگی مقام قضائی به محل سکونت متهم در منطقه تهران‌پارس، خیابان استخر مراجعه و در بازرسی دقیق از این محل موفق به کشف گوشی همراه متعلق به مالباخته شدند. با کشف گوشی همراه مالباخته، متهم که دیگر چاره‌ای جز اعتراف و بیان حقیقت نداشت، صراحتاً به جیب‌بری از مالباخته و سرقت وجه نقد و گوشی همراهی وی اقرار کرد. سرهنگ فخرالدین افراسیابی، رئیس پایگاه چهارم پلیس



اطلاعات کافی رو به دست آوردم با اسناد تماس گرفتیم و ماجرای کنکور، شرایط روحی و روانی‌و رو برای اسناد توضیح دادم و اولین تکنیکی که اسناد بهم آموزش دادن، تکنیک در رشته استرس و اضطراب و آماده‌سازی روحی و روانی بود. مجموعه افای ذهنی اسناد رو دریافت کردم و پس از آن با برنامه اسناد تصمیم گرفتیم از اسنادی استفاده کنیم که با استفاده از تکنیک‌های برتری که در اختیار داشتن می‌توانستیم راه کنکور رو بسیار ساده کنند. پس کارم رو شروع کردم و اسناد به من اموخت که اگر بخوام همه چیز را می‌تونم تغییر بدم یا به قولی (خواستن، توانستن است) و من به آن ایمان پیدا کردم.

اسناد واقعاً اسناد است:

وقتی به اسناد احمدی مراجعه کردم، پس از دقایقی که با من صحبت کرد بعضی از تکنیک‌های افای ذهنی (مثل تکنیک یاد کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) رو در مورد من اجرا کرد و روحیهام بسیار قوی و عالی شد و هیچ

در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم و با توجه به این‌که دندانی‌شکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم

وقت فراموش نمی‌کنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم که این را مدیون اسناد احمدی هستم، در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم خیلی زود بعد از کارشناسی کردن منابع و انتخاب اون‌ها توسط اسناد من کارم مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من نهایت لیخنیدی جهت تسخیر می‌زمن و ختم جلسه. در تمام طول عزم هیچوقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتیم. در شرایطی که اکثر موسسات به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نندم. رتبه ۱۲۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه‌ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم.

آشنایی با آخرین بار

وقت برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتوانستم وضعیت روحی‌ام رو تغییر بدم. این وضیت تا پوآخر سال ۹۰ یعنی تا دی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله‌ای خوندم. کاری که اسناد می‌کرد برای غیقبال باور بود. منگه میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس و نگرانی‌هام رو رها کنم؟! می‌شد. مقاله از تکنیک برنامیزی اسناد صحبت می‌کرد. من با خواندن آن مقاله نهایت فاجعه بود. رتبه‌ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم. پس از اینکه

نتیجه‌ی غیر قابل باور
با تلاش، پشتکار و علاقه‌ای که داشتم توانستم با لوح‌های فشرده روحی‌ام رو برنامهریزی دقیق و کام به کام به امیج میکینگ اسناد، کمتر از ۲ ماه تغییر بزرگی رو در خودم ببینم. نتیجه‌ای که در آزمون سنجش برابم حاصل شد همه را شوکه کرده بود. من در عرض کمتر از ۲ ماه ترازم حدود ۲۵۰۰ تا پیشرفت کرده بود. بی‌وقفه به حضور اسناد رسیدم و اسناد با بررسی درصدهایم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک‌ها را مستقیماً به من

رخداد

راز سرقت اسلحه پلیس فاش شد

● راز درگیری مأموران نیروی انتظامی با تعدادی از اشرار که در نتیجه آن اسلحه یکی از مأموران به سرقت رفت، فاش شد. به گزارش فارس، روز چهارشنبه گذشته مردی ۴۶ساله روی تخت بیمارستان جان خود را از دست داد، در حالی که علت بستری‌شدن وی مصدومیت بر اثر ضرب‌وجرح بود. تحقیقات نشان داد، متوفی روز چهارشنبه چهارم آذر به کلانتری ۱۵۰ مراجعه و عنوان کرد، برای مطالبه طلبی که از سه برادر داشته نزد آنها رفته و آنها وی را مجروح کرده‌اند. به دنبال این شکایت، دو مأمور نیروی انتظامی به محل اعزام شدند که این‌بار سه برادر و شماری از دوستانشان به وی و مأموران حمله کردند و اسلحه و متعلقات یکی از مأموران پلیس حاضر در محل را به سرقت بردند. پس از این حادثه، شاکي که به شدت مصدوم شده بود، به بیمارستان منتقل شد که به علت شدت جراحات وارده پس از گذشت یک هفته بستری‌شدن در بیمارستان جان خود را از دست داد. مأمور مورد نظر در تشریح حادثه گفت، من به همراه یکی از همکارانم و شاکي به محل رفیقم افرادی که بیش از ۱۰۰ نفر بودند، به محض رویت من فرار کردند و شماری از آنها با پرتاب مواد مخدر همراهشان روی زمین با قمه به سمت من حمله‌ور شدند. وی افزود: این افراد با قمه، سبک و سنگ به سمت من حمله می‌کردند که چند سنگ به من اصابت کرد و من چند تیر هوایی برای متوقف کردن آنها شلیک کردم اما آنها همچنان به سمت من هجوم می‌آوردند. در نتیجه سه تیر به سمت آنها شلیک کردم که دو نفر به زمین افتادند. این مأمور تصریح کرد: در همین حین، جسمی سخت به پشت سرم برخورد کرد و بر زمین افتادم و پس از چند دقیقه که حال خود را پیدا کردم دیدم اسلحه، دستبند و خساب مرا به سرقت برده‌اند. وی افزود: در ادامه شماری از آنها توسط یک وانت‌نیسان و یک پژو ۴۰۵ از محل متواری شدند و من نیز به سختی خود را به خودروی سازمانی رساندم و همراه با سربازی که در داخل خودرو بود آنها را تعقیب کردم و اسلحه سرباز را از وی گرفتم و از داخل خودرو پس از هشدار و شلیک چند تیر هوایی، به سمت آنها تیراندازی کردم. این مأمور ادامه داد: در نتیجه شلیک من خودروی آنها متوقف شد و دو نفر فرار کردند که یکی دیگر از آنها اسلحه و متعلقات من را به همراه داشت. وی افزود: با تیراندازی من راننده تیر خورد و من این شخص را بازداشت کردم.

چگونه با معدل ۱۱/۲۳ و رتبه ۱۳۰ هزار دانشجوی دندانی‌شکی روزانه سراسری شدم؟

از شکست درس بگریز

آنقدر افتادم، افتادم، افتادم تا جلو افتادم. در هر کاری هر چند سخت و ناممکن برای رسیدن به هدف و مقصد با تلاش و پشتکار فراوان این ناممکن تبدیل به ممکن می‌شود. و راه شما آسان. همان‌طوری که قطره‌های لطیف آب فقط با پشتکار حتی سنگ را می‌شکافند. پس باید صبور باشیم و بدانیم که عجله در هر کاری سرانجام خوبی ندارد و راه‌تان را طولانی‌تر می‌کند. من میلاد علی‌نا دانشجوی دندان‌پزشکی دانشگاه سراسری روزانه هستم که از شکست درس گریتم و از درد به درک رسیدم.

آمادگی برای کنکور ۹۰

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ بود، که همه برای کنکور آماده می‌شدند. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کنکور شرکت کنم. به تنهایی چیزی که فکر می‌کردم قبول در رشته دندان‌پزشکی بود.

بعد از گذشت ۷ ماه

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتوانستم درس‌مو تمام کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامه عمل نکرده‌ام. پر از استرس‌ام هر روز که می‌گذره، فشار دروس نخونده و تنگی وقت رو بیشتر احساس می‌کنم. چطور می‌تونم زمان رو مدیریت کنم تا هم به کلان‌بام برسم و هم به درسام. چطور می‌خوام به روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به ه مون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد می‌گیرم زود از خاطرم فراموش می‌شه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. شرایطم سخت بود که اما همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها نمی‌کرد. فراموش کردم که باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعهم درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من تا استرس زیاد و تجربه‌ی کم و رشته دیگه هم آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما منگه؟ این‌ها سؤالاتی بود که هیچوقت راهم رها